

پژوهش‌های انسان‌شناسی ایران
دوره ۱۱، شماره پیاپی ۲۲
پاییز و زمستان ۱۴۰۰، صص ۳۲۶-۳۰۵

مطالعه انسان‌شناختی هدایای دوره صفوی به دربار عثمانی مطالعه موردی پوشاک و زیراندازها

سمیه نوری‌نژاد^۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۰/۱۰
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۱/۲۰

چکیده

حاکمان صفوی از هدایا به‌عنوان یک راهبرد سیاسی استفاده می‌کردند و این هدایا حامل پیام‌هایی از قدرت هنری و فرهنگی آنان بود. منسوجات از جمله هدایایی بودند که در دربار صفوی به‌وفور به‌کار می‌رفتند و به‌عنوان ابزاری برای به‌نمایش گذاشتن قدرت حکومت و درباریان استفاده می‌شدند. این پژوهش که از منظر ماهیت، تاریخی است، به بررسی پوشاک و زیراندازهایی پرداخته که به‌عنوان هدیه به دربار عثمانی ارسال می‌شده‌اند و با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی و استناد به منابع کتابخانه‌ای به این پرسش‌ها پاسخ می‌دهد: چه پوشاک و زیراندازهایی به‌عنوان هدیه در نظر گرفته می‌شدند و چه ویژگی‌هایی داشتند؟ و ارسال هدایای فاخر و باارزش چه نقشی در ارتباطات سیاسی حکومت صفویه با دربار عثمانی داشت؟ این پژوهش ضمن بهره‌گیری از نوشته‌های تاریخی مربوط به دوره صفوی و عثمانی، از گزارش‌های سیاحان و پژوهشگرانی استفاده کرد که با منسوجات فاخر آن دوره آشنا بودند. منابع تحقیقاتی شامل تصاویر هدایایی است که از دربار صفوی به دربار عثمانی ارسال می‌شدند و ویژگی پوشاک و زیراندازهای مهم صفوی را پوشش می‌دهند. جامعه آماری شامل پنج عدد از منسوجاتی است که به‌عنوان هدایای دولت صفوی در موزه توپ کاپی استانبول نگهداری می‌شوند. نتایج نشان می‌دهد طرح‌های پوشاک و زیراندازهای صفوی، غالباً معنای دوگانه‌ای داشته‌اند و هدایا به شکلی سخاوتمندانه به دربار عثمانی اهدا می‌شده است و حامل انگیزه‌ها و پیام‌های مختلف انسان‌شناختی و سیاسی مهمی بوده‌اند. اهدای هدایایی با کیفیت بالا در دربار سلاطین مسلمان مهم بوده است و اشیای نفیسی که به دربار اهدا می‌شده‌اند، شاید ارزشی بیشتر از آنچه تصور می‌شد داشته‌اند. صفویان هدایایی نفیس و گرا نپها، و جبران‌نشده‌ای از جمله سجاده‌های بافته‌شده از ابریشم و طلاکاری‌شده، و مزین به نام حضرت علی (ع) و یک کفتان مخملی نفیس مخصوص حاکمان شیعه صفوی برای سلاطین عثمانی می‌فرستادند و از طریق این هدایای فاخر، مشروعیت تشیع دوازده‌امامی را نیز تأیید می‌کردند. سلاطین عثمانی این هدایا را نماد شیعه می‌دانستند و هرگز از آن‌ها استفاده نکردند. حاکمان صفوی با ارسال این هدایا از یک‌سو به بزرگنمایی قدرت هنری و فرهنگی خود می‌پرداختند و از سوی دیگر، پیام‌هایی درخصوص مشروعیت دینی و برتری فرهنگی، برای رقیب دیرینه خود می‌فرستادند. به‌این‌ترتیب تئوری رقابت و چشم و هم‌چشمی‌داشتن ماوس، در اهدای هدایا در مورد حکومت صفوی کاربرد دارد. با توجه به اینکه این دو سلطنت از نظر فرهنگی بسیار به هم نزدیک بودند، ارسال هدایای فوق‌العاده نفیس و مجلل و البته جبران‌نشده‌ای، به رقابت میان این دو دامن می‌زد.

واژه‌های کلیدی: صفوی، عثمانی، مارسل ماوس، منسوجات، هدایا.

۱. استادیار گروه هنر و معماری، دانشگاه پیام نور تهران، ایران؛ noori_somy@yahoo

مقدمه و بیان مسئله

در طول قرن دهم، تبادلات فرهنگی بین دو سلسله عثمانی (۶۷۸-۱۳۰۲ هـ ق/۱۲۹۹-۱۹۲۳ م) و صفوی (۸۸۰-۱۱۰۱ هـ ق/۱۵۰۱-۱۷۲۲ م) رواج داشت. با این حال در طول این دوره روابط پیچیده‌ای میان این دو پادشاهی برقرار بود؛ به نحوی که گاهی میان آن‌ها صلح برقرار می‌شد و گاهی تنش‌ها و درگیری‌های خونین صورت می‌گرفت (آرکک، ۲۰۱۲: ۳۳۲). گاهی با یکدیگر متحد می‌شدند و گاهی نیز دشمن هم بودند. هردو حکومت طی دوره‌ای، سخت درگیر جنگ‌هایی بر سر سرزمین‌هایشان بودند و در طول حدود ۲۲۸ سال همسایگی، از منظر تفکرات سیاسی و گرایش‌های مذهبی با یکدیگر هم‌نظر نبودند. بیشتر اوقات کینه و انتقام‌جویی میان آنان حاکم بود و به همین دلیل، هردو حکومت در شرایط ناپایداری قرار داشتند و هنگامی که احساس قدرت می‌کردند، به قلمرو یکدیگر یورش می‌بردند و آن را به تصرف خود درمی‌آوردند. به همین خاطر، بارها میان آنان آتش‌بس برقرار می‌شد، ولی در مدت کوتاهی نقض می‌شد. نقض پیمان‌نامه‌های آماسیه، اول و دوم استانبول و... از آن جمله است (جدول ۱). طی همین دوره تعداد زیادی هدایای فاخر برای یکدیگر فرستادند (حسینی، ۱۳۸۹: ۵۴). جالب اینکه این راهبرد سیاسی غالباً به این صورت بود که هدایای ارسال شده برای سلاطین عثمانی، بیشتر شامل اشیای خاص و عجیب، و گاهی غیرقابل استفاده بود. این راهبرد نقش مهمی در تحکیم ارتباط میان دو حکومت داشت و روابط سیاسی میان آن‌ها را تقویت می‌کرد (بیسبک، ۱۷۷۴: ۱۲۳-۱۲۴).

جدول ۱. بررسی دوره حکومت و معاهده‌های وضع شده میان شاهان صفوی با سلاطین عثمانی

ردیف	صفوی	عثمانی	عهدنامه‌ها
۱	شاه اسماعیل اول	سلطان سلیم اول	جنگ چالدران
۲	شاه تهماسب	سلطان سلیمان اول	عهدنامه آماسیه
۳	شاه محمد خداپنده	سلطان مراد سوم	عهدنامه فرهادپاشا
۴	شاه عباس اول	سلطان احمد اول سلطان مصطفی اول سلطان عثمان دوم سلطان مراد چهارم	عهدنامه نصح پاشا عهدنامه سراب
۵	شاه صفی	سلطان مراد چهارم	عهدنامه قصرشیرین
۶	شاه تهماسب دوم	سلطان احمد سوم سلطان محمود اول	عهدنامه احمدپاشا
۷	شاه عباس سوم	سلطان محمود اول	عهدنامه استانبول

منبع: نگارنده با اقتباس از منابع مورد مطالعه

ظهور دولت صفوی یکی از وقایع مهم تاریخ ایران است؛ زیرا پس از اسلام نخستین دولت قدرتمند و متمرکزی بود که با تلفیقی از دیانت و سیاست، در ایران تأسیس شد. تأسیس حکومت شیعی در قلب حکومت اسلامی عثمانی به نفع اروپا نیز بود؛ زیرا جنگ میان صفویان و ترکان می‌توانست بخشی از فشار عثمانی بر اروپا را کاهش دهد. اروپا هیئت‌های سیاسی، مذهبی و تجاری به ایران اعزام می‌کرد و یکی از مهم‌ترین نکات در مورد این هیئت‌ها، حضور سفرا و مقامات خارجی از جمله برادران شرلی به‌ویژه رابرت شرلی^۱ (۹۸۹-۱۰۳۷ هـ/ق ۱۵۸۱-۱۶۲۸ م) در دربار شاهان صفوی بود. رابرت شرلی مهم‌ترین نماینده دیپلماتیک انگلیس بود که در دربار شاه‌عباس اول حضور داشت. تصویر او در مأموریت‌های متعدد به اروپا، به‌عنوان نماینده دولت صفوی نقاشی شده است. رابرت شرلی به تولید پارچه‌های نفیس و زیراندازهای فاخر در ایران علاقه‌مند بود و گزارشی از کارگاه‌های شاهی در اصفهان و کاشان برای دولت انگلیس ارسال می‌کرد. مسئله هدیه‌دادن در دوره صفویه یکی از فعالیت‌هایی بود که در آن دوران موجب التیام غرور ازدست‌رفته شاهان در اثر شکست لشکریانشان در جنگ با عثمانیان می‌شد و باید هر از گاهی درصدد احیای صلابت پادشاهی، فرهنگی و هنری خویش برمی‌آمدند. فاصله زمانی نسبتاً نزدیک دوره صفوی با دوره معاصر و اختصاص دادن منسوجات و زیراندازها که بسیار نفیس و هنرمندانه تولید شده بودند، اهمیت تحقیق در هدایای این دوره را دوچندان می‌کند. تمرکز اصلی این پژوهش، بررسی نظریه‌های اجتماعی مرتبط با جایگاه (هدیه‌دادن) در قرن دهم است. در همین راستا، چند نمونه از زیراندازها و پوشاک منتخب صفوی که به‌عنوان هدایایی نفیس به دربار پادشاهان عثمانی اهدا شده‌اند، بررسی می‌شود. هدف از این پژوهش، تبیین پیام صفویان در هدایای مهم ارسالی است تا بدانیم چرا آنان در بازه زمانی خاص به‌جای جنگیدن و لشکرکشی، به ارسال چنین هدایای نفیسی اهتمام می‌ورزیدند و به هنرمندان خویش دستور می‌دادند ماهیت فرهنگی و هنری این هدایا بیش از پیش جلوه‌گر باشد. این هدایای نفیس غالباً برای دنبال کردن اهداف جاه‌طلبانه یا اهداف دیپلماتیک حکومت‌ها به دربار اهدا می‌شدند. برای بررسی هدایا باید اقتصاد داخلی ایران در دوره صفوی را که کشاورزی و دامداری نقش مهمی در آن داشت، در نظر گرفت و این اقتصاد، در کنار رشد منسوجات ابریشمی، کارگاه‌های فراوان پارچه‌بافی مانند مخمل‌بافی، کتان، اطلس، زری‌بافی، پشمی‌بافی، حریر و... و زیراندازهای نفیس در ایران شکل گرفت. ایران در این دوران، درخشان‌ترین دوره‌های طلایی صنعت بافندگی و نساجی را داشته است. دوره صفوی، دوره بالندگی اقتصاد

۱. Sir Robert Shirley جهانگرد انگلیسی است. او از برادرانش، آنتونی شرلی و توماس شرلی کوچک‌تر بود. وی به دلیل کمک به نوسازی و بهبود ارتش صفوی مطابق با مدل ارتش انگلیس، به درخواست شاه عباس بزرگ، مشهور است (Spencer, 2009: 544).

پولی، و رونق و شکوفایی تجارت و بازرگانی بود. این مطالعه، نقش مهمی در آشنایی و نگاهی جدیدتر و عمیق‌تر ما به هدیه‌دادن اشیای خاص در عصر صفوی دارد. ضرورت و اهمیت تحقیق در آن است که با پیگیری و شناخت این هدایای ارسالی و پیام‌های به‌کاررفته در آن‌ها که هنرمندان دوره صفوی برای خلق آنان از مجموعه‌ای از تولیدکنندگان مطرح شهرهای مهم که در تولید پارچه، تهیه الیاف به‌کار رفته در زیراندازها کمک می‌گرفتند، می‌توان درکی عمیق‌تر و بهتر از آنچه در پس آن پنهان است، به‌دست آورد.

پرسش‌های پژوهش

پرسش‌های و دغدغه اصلی در این پژوهش عبارت‌اند از: ۱. چه نقوش و پیامی در این هدایا وجود دارند؟ ۲. چرا در تاریخ صدساله جنگ میان حکومت عثمانی و صفوی رسم هدیه‌دادن بین این دو دربار از بین نرفته است؟

پیشینه پژوهش

در حوزه روابط ایران و عثمانی از نظر تجاری و سیاسی در کتاب‌های مختلف تاریخی و هنری مطالعات زیادی صورت گرفته است؛ از جمله کتاب *تاریخ روابط ایران و عثمانی در عصر صفوی* از نصرالله صالحی (۱۳۹۴) در خصوص روابط ایران و همتایان عصر صفوی، جدی‌ترین و جدیدترین پژوهش‌های محققان کشور ترکیه را یکجا ارائه داده است تا پژوهشگران عصر صفوی در ایران با دیدگاه‌های همتایان خود در ترکیه آشنایی بیشتری پیدا کنند. کتاب *بررسی روابط ایران و عثمانی از جنگ چالدران تا معاهده قصرشیرین* از احمد بابایی زارچ و الهام اکبرزاده (۱۳۸۸) به جنگ میان دو حکومت و تنش‌های بین آنان پرداخت. ایران عباس‌پور (۱۳۸۴) نیز در کتاب *روابط ایران و عثمانی در عهد صفویان* به روابط جنگ و صلح میان دو دولت پرداخت. عادل اللوشه (۱۹۸۳) در کتاب *منشأ و توسعه درگیری صفوی و عثمانی، علت عمده درگیری‌های میان دو حکومت را اختلافات سرزمینی می‌داندست و معتقد بود تفکر مذهبی که به‌عنوان یکی از عوامل اصلی اختلافات دو حکومت است، در این اختلافات نقشی ندارد*. در مورد مسئله هدیه‌دادن که موضوع اصلی پژوهش حاضر است، لیندا کوماروف^۱ (۲۰۱۱) در کتاب *هدایای سلطان*^۲، ۲۴۰ اثر هنری نادر و نفیس مرتبط با تبادل هدیه در میان حکومت‌های مسلمان، بیزانس، اروپای غربی و شرق آسیا، را از قرن ۸ تا ۱۹ میلادی ارائه می‌دهد. مهمت آقا اوغلو^۳ (۱۹۴۱) در کتاب *فرش و منسوجات صفوی: مجموعه حرم امام علی در نجف*، به بررسی

۱. Linda Komaroff سرپرست هنر اسلامی و رئیس بخش خاورمیانه موزه هنر لس‌آنجلس

۲. Gifts of the Sultan

۳. Mehmet Aga Uglu

فرش و منسوجات اهداشده به حرم حضرت علی (ع) و بررسی نمادهای شیعیان پرداخت. مریم بیگدلی (۱۳۹۳) در پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود با عنوان «بررسی سنت هدیه دوره اسلامی از آغاز تا پایان عصر عباسی»، بر سنت هدیه‌دادن در دوره اسلامی تأکید کرد و این سنت را در دوره خلفای اموی و عباسی به‌منظور جذب افراد سیاستمدار و کارآمد برای خدمت به حکومت عنوان کرد. موسی‌زاده (۲۰۱۹) در مقاله «کاربرد پارچه‌های کفتان از دوره ارتش عثمانی تا به امروز» معتقد است در میان عثمانی‌ها، لباس یکی از ابزارهای بیان جایگاهی بود که یک فرد به آن تعلق داشت و به همان اندازه پارچه و رنگ آن نشان‌دهنده طبقه اجتماعی افراد بود. آخرین تحولات لباس نمایانگر تأثیر تمدن ایران در فرهنگ عثمانی است و برخی از لباس‌ها در حکومت عثمانی دارای طرح و معانی مذهبی و حامل پیام‌های دین اسلام بودند. نویسندگان در همه این پژوهش‌ها به معرفی و بررسی هدایا در حکومت اسلامی و روابط صفویان و عثمانی‌ها، و بیشتر این تحقیقات به جنگ میان دو سلطنت پرداختند، ولی مقوله هدیه به‌خصوص هدایای سیاسی و روابط متقابل میان حکومت‌ها بررسی نکردند و تطبیق ندادند؛ بنابراین در این تحقیق با شناخت نقوش و مفاهیم به‌کاررفته در هدایای ارسالی از منظر دینی و تاریخی آنان، ریشه‌های اشتراک و افتراق مفهومی، تشابهات بصری و ظاهری آن‌ها تدقیق شد.

روش پژوهش

روش مطالعه حاضر تاریخی با رویکرد توصیفی-تحلیلی و شیوه جمع‌آوری اطلاعات کتابخانه‌ای است. هدف از پژوهش، دستیابی به تأثیر هنر دوران صفوی بر هدایای ارسالی آنان به دربار عثمانی است. در این زمینه آنچه بیشتر مورد نظر است، شکل و نقوش منسوجات در هدایا و محتوای آنان است و دامنه تحقیق محدود به تصاویری از آثار مذکور خواهد بود. آثار هدیه داده‌شده دارای تزیینات و نقوش شاخص، و حدود پنج عدد است. از این‌رو انتخاب نمونه‌ها به‌صورت سرشماری است؛ بنابراین پایه تحلیل‌ها همین تعداد نمونه برجای‌مانده است.

ادبیات نظری

۱. هدیه‌دادن در دوره صفویان

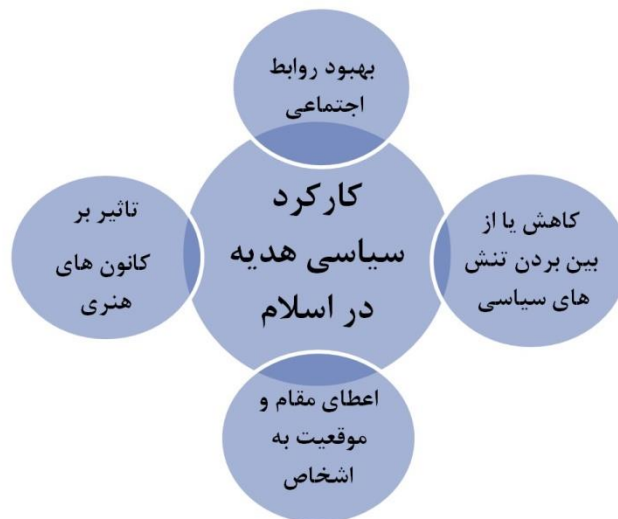
هدیه‌دادن در کشورهای اسلامی روشی بنیادین برای دستیابی به مقاصد سیاسی بوده و این روش به‌عنوان ابزاری برای رسمی‌کردن اتحاد با دیگر کشورها استفاده می‌شده است (واله اصفهانی، ۱۳۷۲: ۱۱۶۷). همچنین هدیه‌دادن راهی برای به‌رخ‌کشیدن قدرت و بیان آرمان‌های سیاسی آنان و یکی از روش‌های اساسی برای دنبال‌کردن فرصت‌طلبی‌های سلطنتی یا رسیدن به اهداف سیاسی بوده است. جهان اسلام با استفاده از سنت پیشکش‌کردن، پیمان‌های صلح

خود را با متحدانش محکم یا از آن برای حفظ شبکه گسترده‌ای از روابط اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و مذهبی استفاده می‌کرد (کوماروف، ۲۰۱۱: ۲۰). هدایا در جهان اسلام، طیف وسیعی از کارکردهای سیاسی داشتند که در (نمودار ۱) بیان شده است. آن‌ها مجموعه کاملی از وقایع اعم از تولد تا مرگ را مشخص می‌کردند. هدایای سیاسی به شدت بر روابط بین‌الملل تأثیر می‌گذاشتند؛ زیرا در گذشته نیز مانند امروز سفیران مسافت‌های طولانی طی می‌کردند و برای گسترش روابط جدی سیاسی تلاش می‌کردند. آن‌ها از روش پیشکش کردن به عنوان راهی برای ابراز دوستی و صلح و ایجاد روابط مسالمت‌آمیز استفاده می‌کردند (همان: ۲۱).

در ایران قبل از اسلام، سابقه‌ای طولانی در زمینه هدیه‌دادن وجود داشت و هدیه‌دادن و هدیه‌گرفتن نقشی اساسی در جامعه ایفا می‌کرد. این عمل که برخاسته از یک تفکر سیاسی بود، از دوران باستان و از زرتشتیان به دوره اسلامی ورود پیدا کرد (مورونی، ۲۰۱۱: ۳۳). در قرن دهم، از هدایا در موقعیت‌های شخصی و سیاسی مختلفی استفاده می‌شده و این هدایا روابط میان هدیه‌دهنده و هدیه‌گیرنده را شکل می‌داده است. کلمه پیشکش^۱ در ابتدا معنایی نسبتاً بی‌طرف یا خنثی داشته، اما در قرن دهم، به عنوان هدیه از سوی شخصی که در موقعیت پایین‌تری قرار داشت، به کار می‌رفته است. پیشکش به معنای ادای دین یا ادای احترام به یک حاکم است (لمبتون، ۲۰۰۹: ۱۴۵). کوماروف معتقد بود لزوماً تعهد به جبران هدیه در جامعه اسلامی قرن دهم در ایران وجود نداشته است (کوماروف، ۲۰۱۱: ۳۳)، اما متی^۲ اظهار داشت که مبادله هدیه، یک روش نمادین، اما کاملاً قانونی بود که به انتقال حس سخاوت و عمل متقابل کمک می‌کرد. وی با نظر ماوس موافق بود و بر این عقیده بود که اهدای هدایا و تعهد به جبران آن به گونه‌ای روابط را شکل داده و قدرت‌ها را مشخص کرده است. متی معتقد بود هدیه‌دادن بخشی از یک سیستم حاکم بر روابط اجتماعی بوده است؛ به طوری که افراد جامعه به منظور ادای احترام هدایایی را اهدا می‌کردند و برابر با آن، امتیازات و کمک‌های مالی دریافت می‌کردند (متی، ۲۰۰۱: ۱۸۳).

1. pishkash

۲. Rudilph Matthee پژوهشگر، ایران‌شناس و استاد برجسته دانشگاه دلاور امریکا



نمودار ۱. تأثیر و کارکرد هدیه در حکومت‌های اسلامی قرن دهم

منبع: نگارنده

۲. انواع هدایای مبادله‌شده بین دربار صفوی و عثمانی

هدایایی که بین دو دربار صفوی و عثمانی ردوبدل می‌شدند، فاخر و گاهی عجیب بودند. این هدایا معمولاً اشیای گرانبهایی بودند؛ مانند نسخ نفیس قرآنی، کتاب‌های دست‌نوشته درباری، فرش‌های بافته‌شده با تاروپود ابریشمین، چادرهای ابریشمی مزین به جواهرات و طلا، خنجر، رداهای مخملی با گلدوزی‌هایی از جنس طلا و نقره، و سایر منسوجات نفیس درباری که در جدول‌های ۳ و ۴ ارائه شده‌اند (کوماروف، ۲۰۱۱: ۲۲). همچنین هدایایی که صفویان به‌ویژه برای دربار کشورهای همسایه به‌خصوص عثمانی‌ها می‌فرستادند شامل شتر، اسب، فرش و پارچه تزئین‌شده بودند (متیی، ۲۰۰۱: ۳۸۳). هدایای زنده‌ای از جمله حیوانات وحشی نیز میان این دو امپراتوری ردوبدل می‌شد (آبراهامیان، ۲۰۰۸: ۳۲۱). شایان ذکر است که در پی آغاز یک جنگ طولانی بین این دو امپراتوری که در نهایت به ضرر صفویان به پایان رسید، سلطان عثمانی، برادرزاده شش‌ساله شاه عباس (حیدر میرزا) را گروگان گرفت تا در دربار عثمانی از او نگهداری کند (ارکک، ۲۰۱۲: ۱۳۵). طبق مطالعات متیی، ارزش هدایایی که در مبادلات سیاسی ارائه می‌شدند، توسط چند عامل مشخص می‌شد: ۱. اهمیت کشور اهداکننده هدیه؛ ۲. اهمیت موضوعی که قرار بود بر سر آن مذاکره شود؛ ۳. ارزش هدایایی که قبلاً فرستاده شده بودند. پادشاهان صفوی برای حاکمان کشورهای خارجی نیز هدایای متنوعی ارسال می‌کردند که از جمله آن‌ها می‌توان به فرش، پارچه و منسوجات گرانبها، عمامه، شال و شمشیر اشاره

کرد. اگرچه ارزش مادی تمامی این هدایا مشخص بود، گاهی این هدایا داستان‌های منحصر به فردی داشتند و هر کدام از آن‌ها در موقعیت‌های خاصی اهدا می‌شدند. امروزه هدایای ارسالی از کشورهای خارجی به دولت عثمانی، در گنجینه کاخ موزه توپ‌کاپی نگهداری می‌شوند (ارتالیلی، ۲۰۱۱: ۱۶۷). با نگاهی به این گنجینه می‌توان دریافت هدایایی که ایرانیان می‌فرستادند، جزء باارزش‌ترین هدایا بودند. علاوه بر این، پادشاه صفوی بین سال‌های (۹۵۵ تا ۹۹۰ هـ.ق/ ۱۵۵۵ تا ۱۵۹۰ م)، هدایای بسیار باارزشی را به سلاطین عثمانی اهدا کرد که این نشان داد شاه تهماسب صفوی به چه گنجینه فرهنگی و مادی ارزشمندی دسترسی و همچنین ذوق و سلیقه جالبی در جمع کردن اشیای گرانبها داشته است (ارکک، ۲۰۱۲: ۱۳۷)؛ بنابراین برخی از منسوجات صفوی مربوط به این دوره که به دربار عثمانی اهدا شده بود، بررسی شد.

۲-۱. فرش سالتینگ^۱

اگرچه هدایای ارسالی شده از کشورهای خارجی جزء بزرگ‌ترین ثروت‌های کاخ موزه توپ‌کاپی محسوب می‌شوند، هدایای ایرانیان به‌طور خاص، نفیس‌ترین و باارزش‌ترین هدایایی هستند که به عثمانی‌ها اهدا شده‌اند. (کوماروف، ۲۰۱۱: ۱۶۹). بوسبک^۲ در مشاهدات خود نوشت: «...هیئت اعزامی ایرانیان به عثمانی شامل ۷۰۰ مرد و ۱۹۰۰۰ بار شتر بود... همگی هدایایی از جمله اشیای گران‌بها و همچنین فرش‌های پشمی با خود حمل می‌کردند. این فرش‌های پشمین آنقدر سنگین بودند که چند مرد به‌سختی می‌توانستند آن‌ها را حمل کنند» (ایلند، ۱۹۹۹: ۱۵). ممکن است بوسبک به فرش‌های سالتینگ یا سجاده‌های کاخ موزه توپ‌کاپی اشاره داشته باشد. کارشناسان فرش و مجموعه‌داران، اغلب دو گروه خاص از فرش‌ها را به‌عنوان فرش‌های سالتینگ می‌شناسند؛ زیرا این گروه از فرش‌ها دارای ویژگی‌های برجسته مشابهی هستند که عبارت‌اند از: ۱. فرش‌هایی با حاشیه بیرونی و نوشته‌هایی دایره‌ای شکل (ترنج‌دار)؛ ۲. فرش‌هایی که در آن‌ها به‌طور خاص نقوش ایرانی با رنگ‌های روشن کار شده است (محراب‌دار). نمونه‌هایی از فرش‌ها و تجزیه و تحلیل آن‌ها در (جدول ۲) آمده است.

۲-۲. فرش‌های ترنج‌دار

این نوع از فرش با طرح اصلی (ترنج) را جورج سالتینگ^۳ نام‌گذاری کرد. او چند نمونه از این فرش‌ها را در سال ۱۹۰۹ م به موزه ویکتوریا و آلبرت اهدا کرد. در این موزه حداقل ۲۷ مدل

1. Salting Carpet
2. Busbequius

۲. سفیر مجارستان در دولت عثمانی بود.

۳. George Salting مجموعه‌دار انگلیسی هنر بود.

مختلف از فرش‌های سالتینگ وجود دارد که در آن‌ها طرح‌های دقیق و پیچیده‌ای از تاک‌های پیچ‌درپیچ، طرح شاه‌عباسی، طرح اسلیمی، ابروباد، پرندگان و حیوانات دیده می‌شود (کن بای، ۱۳۸۷: ۲۲۱). حاشیه‌های اصلی معمولاً دارای تصاویر دایره‌ای با خطاطی دقیق است که غالباً این خطاطی‌ها کمی از حاشیه تصاویر دایره‌ای نیز بیرون می‌زنند. مطالب خطاطی شده از نوع مطالب غیرمذهبی و از جمله شعرهایی از حافظ و از دیگر منابع و آیات قرآنی و اذکار و اسامی ائمه (ع) هستند (تصاویر ۱ و ۲) (تامپسون، ۱۳۸۴: ۹۷).



تصویر ۲. قالیچه سالتینگ ترنج‌دار
منبع: collections.vam.ac.uk



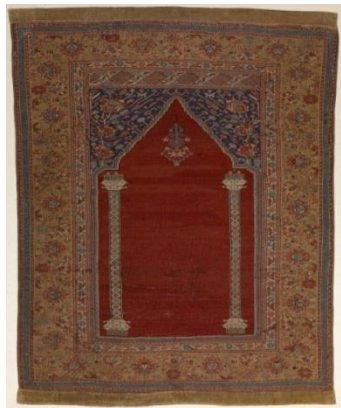
تصویر ۱. نمونه‌ای از فرش سالتینگ ترنج‌دار
همراه با خط نوشته تصویر
منبع: nazmiyalantiquerugs.com

۳-۲. قالیچه‌های محراب‌دار (قالیچه‌های سجاده‌ای)

تعداد زیادی از فرش‌های سالتینگ، قالیچه‌های نماز یا همان سجاده‌های محراب‌دار هستند. در این مجموعه حدود هفتاد قالیچه سجاده‌ای وجود دارد که هرکدام یک محراب دارند و در حاشیه محراب‌ها احادیث و آیاتی از قرآن نوشته شده است. این قالیچه‌ها نیز مانند فرش‌های ترنج‌دار دارای طرح‌هایی از گل هستند و در آن‌ها طرح‌هایی از پرندگان و حیوانات دیده نمی‌شود (بلر و بلوم، ۱۹۹۴: ۱۱۶). ۳۷ عدد از این قالیچه‌ها که معمولاً از آن‌ها به‌عنوان سجاده‌های توپ‌کاپی یاد می‌شود، در گنجینه کاخ موزه توپ‌کاپی نگهداری می‌شود (تصویر

۳). تعدادی از این قالیچه‌ها نیز اکنون در موزه هنر متروپولیتن نیویورک^۱، موزه فرش تهران و گالری هنر والترز^۲ (تصویر ۴)، قرار دارند (اتینگهاوزن و یارشاطر، ۱۳۷۹: ۱۴۸). به نظر می‌رسد این قالیچه‌ها حدود سال ۱۸۸۰ م از کاخ موزه توپ کاپی منتقل شده‌اند (ایلند، ۱۹۹۹: ۹). یکی از ویژگی‌های اصلی این سجاده‌ها که موجب می‌شود آن‌ها را منتسب به دولت صفوی دانست این است که در حاشیه محراب شصت عدد از این سجاده‌ها آیاتی از قرآن به همراه ترجمه نوشته شده است. همه این شواهد نشان می‌دهند این قالیچه‌ها توسط دولتی با مذهب تشیع تولید شده‌اند (فرانسیس، ۱۹۹۹: ۵۵). در چهار عدد از این قالیچه‌ها به‌طور خاص از امام علی (ع) یاد و در شش مورد از این قالیچه‌ها نیز صلوات بر چهارده معصوم ذکر شده است. این‌ها نشانگر ویژگی‌های انکارنشده مذهب تشیع است که ثابت می‌کند این قالیچه‌ها توسط مسلمانان اهل سنت یا برای آن‌ها بافته نشده‌اند. روی چهار عدد از این قالیچه‌ها مهر کوفی وجود دارد که نشانه شیعه بودن بافنده‌های آن‌ها است (منشی قمی، ۱۳۵۲: ۱۱۶). شواهد بیانگر آن است که این گروه از فرش‌های سالتینگ (سجاده‌های محراب‌دار)، که ۳۵ عدد از آن‌ها هنوز در موزه توپ‌کاپی باقی مانده‌اند، به احتمال زیاد در حکومت عثمانی بافته نشده‌اند، بلکه این‌ها هدایایی بودند که به شاه تقدیم شده بودند. به همین دلیل از آن‌ها استفاده نشده، بلکه از آن‌ها به‌خوبی نگهداری شده است، اما دلیل دیگری که موجب شده از این سجاده‌ها استفاده نشود، شاید تزیینات خطوط قرآنی روی این سجاده باشد (ایلند، ۱۹۹۹: ۲۰). شماری از مورخان برجسته هنر اسلامی معتقدند: «از آنجا که این فرش‌ها و قالیچه‌ها در کاخ توپ‌کاپی یافت شدند، یقیناً از جمله هدایایی بوده‌اند که برای خانواده سلطنتی تولید شده‌اند. از طرفی سلاطین عثمانی به‌طور حتم در رابطه با مذهب تشیع دیدگاه مثبت نداشتند، بنابراین این تئوری که این فرش‌ها در امپراتوری عثمانی تولید شده‌اند، غیرقابل اثبات است» (همان: ۱۴). در اواسط قرن بیستم بحث‌های زیادی درباره منشأ صفوی یا عثمانی بودن فرش‌های سالتینگ صورت گرفت؛ درحالی‌که کارشناسان برجسته، این فرش‌ها را به قرن ۱۶ یا ۱۷ م و به حکومت صفوی نسبت می‌دهند، اما نگهداری از آن‌ها در شرایطی فوق‌العاده و نوبودن این فرش‌ها، این فرضیه را به‌وجود می‌آورد که ممکن است این فرش‌ها متعلق به قرن نوزدهم میلادی باشند؛ زمانی که ترک‌ها با اقتباس از نقوش ایرانی، به بازسازی و تزئین کاخ سلطان پرداختند.

1. Metmuseum
2. The Walters Art Museum



تصویر ۴. قالیچه سجاده‌ای، موزه والترز،
قرن هجدهم میلادی
منبع: art.thewalters.org



تصویر ۳. قالیچه سجاده‌ای موزه توپ‌کاپی،
قرن هفدهم م تصویر
منبع: metmuseum.org

جان میلز^۱ فرش‌های سالتینگ ترنج‌دار را بررسی کرد و با انجام آزمایش‌هایی از قبیل سنجش میزان کربن ۱۴ روی ده عدد از فرش‌های سالتینگ، توانست قدمت این فرش‌ها را مشخص کند. بدین ترتیب او با تکیه بر شواهد و مدارکی محکم و علمی ثابت کرد این فرش‌ها متعلق به قرن ۱۶ م یا حتی ۱۷ م هستند. در نه فرش از این ده فرش، از رنگ‌زدی استفاده شده که منشأ آن گیاه خودروبی است که در ایران می‌روید نه در آناتولی. همچنین استفاده از لاک (نوعی رزین حشرات) و پوست گردو، همگی از جمله ویژگی‌های فرش‌های ایرانی هستند. از این‌رو تئوری تولید این فرش‌ها در عثمانی رد می‌شود. به‌طور خلاصه، بحث‌های فراوانی درمورد محل تولید و منشأ فرش‌های سالتینگ نشان می‌دهد فرهنگ بصری و سلیقه هنری صفویان و عثمانی‌ها تا چه اندازه به هم نزدیک بوده است؛ به‌گونه‌ای که محققان تنها با آزمایش گسترده توانستند منشأ این آثار هنری را پیدا کنند (گرابار، ۲۰۰۶: ۲۴۳).

۴-۲. البسه اهدایی حکومت صفوی به دربار عثمانی

یکی دیگر از پژوهشگران دوره اسلامی ایران، پاتریشیا بیکر^۲ است. وی معتقد بود: «ادای احترام و تکریم در اوایل دوره اسلامی اغلب با استفاده از پارچه و لباس انجام می‌شد» (بیکر، ۱۳۸۵: ۱۱۶). استفاده از منسوجات و لباس‌های مجلل در دربار نشان از اقتدار، سعادت و عزت دولت بود و به همین ترتیب لباس و منسوجات گرانبها به‌عنوان هدایای سیاسی بین حاکمان ردوبدل

1. John Mills
2. Patricia Baker

می‌شدند (برزین، ۱۳۴۶: ۳۲) در (جدول ۳) تعدادی از البسه نفیس هدایی به دربار عثمانی تجزیه و تحلیل شده‌اند. ردا یکی از هدایایی بود که غالباً بین سلاطین صفوی و عثمانی، و اشخاصی که از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بودند، تبادل می‌شد؛ زیرا هدیه‌دادن جامه به معنای آن بود که شخص، حاکمیت سلطان را پذیرفته است (بابائیان، ۱۹۹۴: ۱۳۵). براساس گنجینه موجود در کاخ موزه توپ‌کاپی^۱، شاه محمد خدابنده^۲ در سال ۹۸۳ هـ ق/ ۱۵۸۳ م به ادرنه^۳ فرستاده شد و طی این سفر یک کفتان به سلطان مراد سوم^۴ اهدا کرد. رنگ سبز تیره این لباس مخمل مجلل که سمبلی از بهشت و رنگ مورد پسند در میان مسلمانان و همراه با تزئیناتی از باغ‌های بهشت بود، مطمئناً نشان از گرویدن شاه خدابنده به اسلام داشت. روی این لباس، حاشیه‌ها و ترنج‌های نوک‌تیز و نوارهای اسلیمی همگی با ابریشم چندرنگ و طلا سوزن‌دوزی شده بود (تصویر ۵)، این روشی است که احتمالاً از قرن ۷ هـ ق/ ۱۳ م به بعد و با فتوحات حکومت مغول و تیموری از چین وارد ایران شده است.

جدول ۲. نمونه‌هایی از فرش سالتینگ

نمونه	انواع فرش‌های سالتینگ و نقوش آن	ویژگی‌ها
۱		فرش سجاده‌ای متعلق به قرن ۱۰ هجری، با اصالت ایرانی. این فرش از گره متقارن با استفاده از نخ گلابتون نقره و ابریشم و پشم بافته شده است. خط‌نوشته آن قسمتی از آیت‌الکرسی با نقوش گل‌های اسلیمی و ختایی؛ منبع: millisaraylar.gov.tr
۲		فرش سالتینگ ترنج‌دار متعلق به قرن ۱۶ م، تاروپود پشم گره‌خورده تلفیق با ابریشم، پرشده با تاروپود طلا و نقره، از چهارده رنگ تشکیل شده و شعر «می خواه و گل افشان کن از دهر چه می جویی» در کتیبه حاشیه منبع: Victoria and Albert Museum, London 2017

۲. Topkapı Sarayı از قصرهای معروف امپراتوری عثمانی در استانبول ترکیه است که از ۱۴۶۵ تا ۱۸۵۳ م مرکز اداری این امپراتوری بود.

۳. شاه محمد خدابنده صفوی یا محمد میرزا (۹۸۵ تا ۹۹۶ هـ ق) فرزند نابینایی شاه تهماسب بود که از کشتار خانوادگی شاه اسماعیل دوم به دلیل نابینایی جان سالم به در برد و پس از کشته‌شدن شاه اسماعیل دوم از سوی امرای قزلباش به حکومت برگزیده شد.

۴. Edirne نام یکی از شهرهای ترکیه است.

۵. Murat (III) او در سال‌های ۱۵۴۶-۱۵۹۵ میلادی زندگی کرد و دوازدهمین سلطان در امپراتوری عثمانی بود.

ویژگی‌ها	انواع فرش‌های سالتینگ و نقوش آن	نمونه
فرش سالتینگ سجاده‌ای متعلق به قرن ۱۶ م، کتیبه‌های موجود در این فرش شامل آیت‌الکرسی در سوره بقره، آیه ۵۶ سوره احزاب، در قسمت داخلی است. مدالیون‌های گوشه‌ای این جمله را دربرمی‌گیرند، لا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ؛ منبع: Metmuseum.org		۳
فرش سالتینگ سجاده‌ای، قرن ۱۶ م، برگرفته از نقوش فرش قشقایی و نقوش هندسی؛ منبع: muze.gov.tr		۴

منبع: نگارنده

صفویان با اهدای این هدیه سعی داشتند با به‌رخ‌کشیدن میراث هنری امپراتوری تیموری، حاکمیت خود را تقویت کنند. سوزن‌کاری‌های فوق‌العاده گرانبها و باارزش روی این لباس فاخر و نفیس، آن را برای سلطنت تبدیل به یک هدیه مناسب کرده بود، اما هدف اهداکننده این هدیه به‌احتمال‌زیاد جلی رضایت شاه عثمانی نبوده، بلکه به‌خاطر پیام صریح صلح‌طلبی و قدرتمندبودن زبان هنر و فرهنگ صفویان بوده که از سوی دولت شیعه صفوی به عثمانی فرستاده شد (کوماروف، ۲۰۱۱: ۱۱۴)؛ بنابراین این لباس به‌احتمال‌زیاد برای استفاده ساخته نشده است؛ بلکه قرار بوده به‌عنوان یک اثر هنری فاخر و نفیس نگهداری شود و همین امر می‌تواند دلیل محکمی باشد در پاسخ به این سؤال که چرا این لباس در شرایطی فوق‌العاده نگهداری شده و تا به امروز سالم مانده است. این لباس می‌تواند سمبلی از نوع پوشش درباریان صفوی باشد. دیدن سلطان عثمانی یا یکی از همراهانش با لباس‌های تولیدشده از ابریشم ایرانی با تزئینات متمایز صفویان، می‌توانست برای عثمانی‌ها چندان خوشایند نباشد و این دقیقاً هدفی بوده که شاه خدابنده با اهدای این هدیه دنبال می‌کرده است. از این‌رو می‌توان نتیجه گرفت که صفویان هدایای بسیار نفیس و فاخری را به رقیبان خود اهدا می‌کردند؛ هدایایی که رقبا هرگز نتوانند از آن‌ها استفاده کنند.

۱-۴-۲. مناسبت اهدای هدایا

تولیدات فرهنگی و هنری صفویان در اواخر قرن دهم تحت تأثیر ناآرامی‌های سیاسی، جنگ‌های خارجی و اختلافات درباری در خانواده سلطنتی قرار گرفت. این وضعیت بار دیگر دولت صفوی را در معرض حملات عثمانی‌ها و ازدست‌رفتن خراسان در جبهه شرقی در سال

۹۸۱ ه‍.ق / ۱۵۸۱ م و تبریز در جبهه غربی در سال ۹۸۵ ه‍.ق / ۱۵۸۵ م قرار داد (سیوری، ۱۹۸۰: ۵۶). ورود سفیر صفویان در سال ۱۵۸۳ م / ۹۸۳ ه‍.ق به ادرنه، آبی بر آتش جنگ‌های دوازده‌ساله‌ای بود که سلطان مراد سوم به صفویان تحمیل کرده بود. باین‌حال می‌بینیم که چگونه صفویان از هدیه‌دادن، برای دستیابی به مقاصد سیاسی خود استفاده کردند. اهدای هدایای نفیس، اما غیرقابل استفاده‌ای مانند فرش‌های مجلل و کفتان (ردا)، نه‌تنها راهی برای به رخ کشیدن قابلیت‌های هنری و فرهنگی صفویان بوده، بلکه یک راه امن برای برقراری ارتباط و انتقال پیام‌های سیاسی آن‌ها بوده است (تانیندی، ۲۰۰۸: ۵۳).



تصویر ۵. ردای هدیه داده‌شده از شاه محمد خدابنده به سلطان مراد سوم

منبع: کوماروف، ۲۰۱۱: ۳۴۵

اگرچه درباره ارسال سفیران و هدایای حکومت صفوی به عثمانی تحقیقات و مطالعات چندانی وجود ندارد، تجزیه و تحلیل هدایایی مانند انواع فرش‌های سالتینگ و کفتان (ردا) مخمل و ساتن مجلل صفویان به ما کمک می‌کند تا تئوری ماوس را در این مورد تأیید کنیم. در جدول ۴، جنس، نقش، رنگ و اندازه هدایا تجزیه و تحلیل شده است. البته هرچند تئوری ماوس درباره اهدای هدایای نفیس با هدف دنبال کردن منافع شخصی هدیه‌دهنده، در این مورد صدق می‌کند، هنوز هم باید به این موضوع اذعان داشته باشیم که این هدایا اشیای گرانبهایی بوده‌اند که درخور پادشاه عثمانی بوده و برای اهدا به یک پادشاه قدرتمند ساخته شده‌اند.

جدول ۳. نمونه‌هایی از ردا (کفتان) پیشکش از حکومت صفوی به عثمانی

ردیف	نمونه لباس هدیه	جنس لباس و طرح	توضیحات
۱		ابریشم هفت‌رنگ نقوش: چهار گل انتزاعی (میخک، لاله، سنبل و رز)	هدیه شاه‌تهماسب به سلطان بایزید دوم (۹۶۲ ه‍.ق / ۱۵۵۵ م) منبع: اورتایلسی، ۲۰۱۱: ۴۳
۲		مخمل و زربفت گل برجسته، نقوش: (جواهر خوش‌یمن و ابر چینی)	هدیه شاه‌تهماسب به سلطان سلیمان اول (۹۶۹ ه‍.ق / ۱۵۶۱ م) منبع: راجرز، ۱۹۸۶: ۴۳۳
۳		ساتن زربفت نقوش: (ابر چینی و کاج)	هدیه شاه محمد خدابنده به سلطان مراد سوم (۹۹۹ ه‍.ق / ۱۵۹۰ م) منبع: کوماروف، ۲۰۱۲: ۱۵۰
۴		مخمل زربفت نقوش: (دسته‌های گل و برگ استیلیزه‌شده)	هدیه شاه عباس به سلطان احمد اول (۱۰۲۶ ه‍.ق / ۱۶۱۷ م) منبع: راجرز، ۱۹۸۶: ۴۳۳

منبع: نگارنده

جدول ۴. تجزیه و تحلیل هدایای سلطنتی صفوی به دربار عثمانی

جنس	لباس
	<p>بیشتر کفتان‌ها از پارچه‌های زربفت، مخمل ابریشم یا ساتن تهیه و سپس با خز و سنگ‌های قیمتی مانند زمرد و الماس تزئین می‌شدند. استفاده از پارچه پنبه‌ای برای تودوزی کفتان متداول بود که گاهی به همراه خز برای آستردوزی رویه بیرونی کت استفاده می‌شد. روکش ابریشم در بخش گردن، دکمه‌های سرآستین، شکاف‌های کناری و پهلوها به کار می‌رفت و معمولاً رنگ پارچه کفتان و آستر متضاد بود. به جزئیات و ریزه‌کاری‌ها اهمیت زیادی داده می‌شد. گرانبهاترین پارچه، مخمل ابریشمی بود که از نخ‌های طلایی و نقره‌ای در آن استفاده می‌شد. (تصویر ۵) مجلل‌ترین و باارزش‌ترین پارچه در دربار صفوی بود و تولید این پارچه چنان پرهزینه بود که کنترل آن به‌عهده خزانه‌داری دربار بود.</p>

فرش	بیشتر فرش‌ها با ابریشم روی نخ تار پنبه، گره متقارن و با استفاده از پود نقره بافته شده‌اند.	
لباس	نقش ابر چینی که متشکل از سه دایره همپوشانی شده، سه نقطه و یک نقش ابر است. این متمایزترین نقش مرتبط با سلطان عثمانی است که در دربار صفوی از آن استفاده می‌شده که از کلمه سانسکریت «جواهر فرخنده» یا «جواهر خوش‌یمن» گرفته شده است. این جواهر به‌عنوان حفاظت از شر شناخته می‌شد که برای ترساندن دشمن در میدان به کار می‌رفت. در قرن ۱۰ و ۱۱ ه/ ۱۵ و ۱۶ م، این نقوش بسیار ارزشمند بود. از آنجا که استفاده از نقوش جانوری در دربار عثمانی ممنوع بود، صفویان بیشترین نقوش به‌کاربرده در هدایا را از نقوش گیاهی استفاده می‌کردند.	نقش
فرش	طرح لچک و ترنج، کتیبه‌های قرآنی در حاشیه آن‌ها که نام‌های خداوند-ئمه به‌خصوص حضرت علی (ع) و شعر حافظ در آن است. نقش گیاهی (اسلیمی و ختایی)-نقش جانوری (پرنده و غزال) در آن‌ها وجود دارد.	
لباس	به‌دلیل اینکه سلاطین عثمانی از رنگ‌های روشن استفاده می‌کردند، دربار صفوی از پارچه‌هایی رنگارنگ برای تولید پیشکش استفاده کردند. استفاده از رنگ‌های تیره یا غم‌انگیز در دربار عثمانی متداول نبود و رنگ سیاه اصلاً محبوبیتی نداشت. پارچه چهارخانه و راه‌راه تقریباً هرگز دیده نمی‌شد.	رنگ
فرش	در هر دو نوع فرش سجاده‌ای و ترنج‌دار، رنگ‌های، قرمز تیره، قرمز روشن، نارنجی تیره، زرد به‌وفور، سبز تیره، سبز روشن، آبی تیره، آبی روشن، قهوه‌ای تیره، سفید و طلایی کمتر دیده می‌شود که در فرش‌های سجاده‌ای رنگ‌های قرمز و زرد نمایانگر غلبه معنویت بر زندگی مادی بود.	
لباس	رداهای پیشکش‌شده که مخصوص سلطان عثمانی دوخته شده بودند، به‌گونه قابل‌ملاحظه‌ای به‌صورت عریض و طویل بریده شده‌اند. دلیل این نسبت‌های بزرگ، بیشتر جلوه‌دادن جلال و شکوه پادشاه صفوی و القای این شکوه به سلطان عثمانی بود.	اندازه
سجاده	اغلب فرش‌های سجاده‌ای در ابعاد (طول ۲/۳۱ متر و عرض ۱/۶۵ متر) هستند.	

منبع: نگارنده

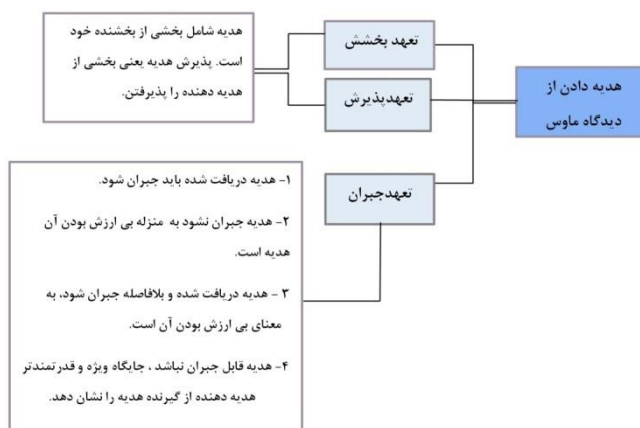
۳. معرفی نظریه اجتماعی هدیه‌دادن مارسل ماوس^۱

بیشتر مطالعات درمورد موضوع «هدیه‌دادن» به تحقیقات ماوس ارجاع می‌شود. ماوس اولین کسی بود که در کتاب خود با عنوان هدیه^۲، هدیه‌دادن را به‌عنوان یک مؤلفه اساسی در روابط انسانی توصیف کرد. او فرهنگ‌های قبیله‌ای هندی و آمریکایی را بررسی و نظریه هدیه خود را مطرح کرده است. براساس این نظریه، هدیه‌دادن نتیجه یک رابطه انسانی است که در طیف وسیعی از دوره‌ها و فرهنگ‌ها دیده می‌شود. طبق گفته‌های ماوس، اهدای «هدیه‌های اقتصادی» سه تعهد عمده را دربرداشتند: تعهد به «بخشش»، تعهد به «پذیرش» و تعهد به

۱. Marcel Mauss انسان‌شناس فرانسوی قرن بیستم میلادی

2. The gift

«جبران» که در (نمودار ۲) بیان شده است. از نظر وی، یکی از نمونه‌های بارز تعهد به جبران، در آیین و سنن بومیان آمریکای شمالی وجود دارد که «پوتلاچ»^۱ نامیده می‌شود. پوتلاچ یک جشنواره است که در آن انواع و اقسام هدایا بین قبایل و افراد آن ردوبدل می‌شود. ایده اصلی این جشن، رقابت و نشان دادن توانایی مالی افراد و خانواده‌ها است. قانون اصلی حاکم بر آن، این است که هرکسی هدیه‌ای دریافت می‌کند، باید آن را جبران کند. به همین ترتیب یک چرخه دائمی از ردوبدل کردن هدایا در درون و بین نسل‌ها ادامه می‌یابد. در سیستم پوتلاچ بومیان آمریکایی، افراد باید هدیه‌ای به طرف مقابلشان بدهند که ارزشش برابر با هدیه دریافت شده باشد. برخی دیگر نیز سعی می‌کنند در مقایسه با هدیه‌ای که دریافت کرده‌اند، هدیه باارزش‌تری بدهند. این امر سبب ایجاد چرخه مداوم تعهد به جبران هدیه بین قبایل یا اعضای قبیله می‌شود. ماوس تصریح می‌کند که در فرهنگ بومیان آمریکایی در صورتی که یک نفر هدیه طرف مقابلش را جبران نکند، این بدین معنا است که هدیه‌ای که وی از طرف مقابل خود دریافت کرده، بی‌ارزش بوده است. همچنین اگر کسی هدیه‌ای دریافت کرده باشد و بلافاصله آن را جبران کند، این به معنای آن است که هدیه بی‌ارزش بوده است. وی نتیجه می‌گیرد که این احساس خوارشمرده شدن، نیروی محرکه‌ای است که افراد را ترغیب می‌کند تا هدیه دریافت‌شده خود را به بهترین وجه جبران کنند و این جبران کردن بیشتر مربوط به حفظ روابط انسانی مثبت است تا اینکه با خود اشیاء ارتباط داشته باشد (ماوس، ۲۰۰۰: ۸۳).



نمودار ۲. تجزیه و تحلیل نظریه هدیه دادن ماوس

منبع: نگارنده

در این فرهنگ، فردی که هدیه‌اش قابل‌جبران نباشد، قدرتمندترین فرد است؛ بنابراین می‌توان چنین استدلال کرد که این فرهنگ تبادل هدیه، به‌نوعی قدرت را بین اعضای جامعه به چالش می‌کشد و جایگاه‌ها را در یک جامعه مشخص می‌کند. این چرخه مبادله هدایا، سلسله‌مراتب اجتماعی و اقتصادی در یک جامعه کوچک متشکل از قبایل بومیان آمریکایی را مشخص می‌کند. این یک سیستم اجتماعی است که روابط میان اعضای جامعه را مشخص و هم‌زمان به‌عنوان ابزاری عمل می‌کند که توسط آن جامعه قبیله‌ای قابل‌بررسی است. عمل هدیه‌دادن موجب ایجاد تعهد به جبران می‌شود؛ زیرا افرادی که در قبال پیشکش خود هدیه‌ای دریافت نمی‌کنند، احساس فرومایگی و ناتوانی می‌کنند. از این‌رو افراد برای اینکه در چنین موقعیتی قرار نگیرند، به‌ناچار با یکدیگر به رقابت می‌پردازند و درنهایت این امر سبب مشخص شدن سلسله‌مراتب قدرت می‌شود. بدین‌ترتیب چرخه‌ای مداوم از تبادل پیشکش‌ها و هدایا را به‌صورت رقابتی در جامعه و حتی میان نسل‌ها ایجاد می‌کند (ماوس، ۲۰۰۰: ۸۳). لیندا کوماروف بر این باور است که نتایج مطالعات ماوس در مورد سیستم هدیه‌دادن و تعهد، در سراسر جهان وجود داشته و دارد و جبران، لزوماً به فرهنگ اسلامی در یک دوره‌ای نزدیک به ۱۴۰۰ سال پیش محدود نبوده است (کوماروف، ۲۰۱۱: ۱۷). کوماروف معتقد است ماوس عمدتاً همه مطالعات خود را بر رسوم و آیین بومیان آمریکای شمالی پایه‌گذاری کرده است و تئوری هدیه‌دادن و تبادل هدیه در فرهنگ اسلامی حوزه‌ای است که نیاز به مطالعه بیشتری دارد. او اظهار می‌کند: «استفاده از هنر در جوامع اسلامی در چارچوب پیشکش و هدایا، انگیزه‌های مختلفی را دنبال می‌کند؛ از جمله گسترش فرهنگ که از طریق تحسین انواع خاصی از اشیا که به‌خاطر برخی ویژگی‌ها از جمله نادر بودن، گران بودن و صاحب‌سبک‌بودنشان از ارزش خاصی برخوردار هستند» (همان: ۳۰). در فرهنگ اسلامی اشیائی با ویژگی‌هایی خاص می‌ساختند و به‌عنوان پیشکش هدیه می‌دادند (سیوری، ۱۳۶۳: ۸۹). او با نظریه ماوس مبنی بر اینکه هدایا می‌توانند در خدمت طیف گسترده‌ای از اهداف پیچیده و پنهانی قرار بگیرند، موافق است. به گفته وی مطمئناً در جهان اسلام هدیه‌دادن بخش جدایی‌ناپذیری از شرایط و روابط اجتماعی بوده است.

نتیجه‌گیری

براساس نظریه ماوس که معتقد است منافع شخصی حاکمان از طریق هدیه‌دادن تأمین می‌شد، هدایا فرش‌ها و سجاده‌های مخصوص مسلمانان شیعه به یک سلطان سنی مذهب، و ردا (کفتان‌های) شاخص و نفیس، نشانه بارزی از دنبال کردن این هدف است. شاه صفوی فرش‌ها و منسوجاتی را به سلطان عثمانی هدیه می‌داده که در عین زیبایی، نفیس و مجلل بودن به‌گونه‌ای

بوده‌اند که سلطان هرگز نمی‌توانسته از آن‌ها استفاده کند. علاوه‌برآن، این سجاده‌ها چنان ظریف و مجلل بافته شده بودند که عثمانی‌ها به‌سختی می‌توانستند مانند این هدایا را تولید و جبران کنند و این هدایای نفیس می‌توانستند سلطان عثمانی را در یک موقعیت پایین‌تر و ضعیف‌تر از پادشاهان صفوی قرار دهند؛ چنان‌که ۱۵۰۳ دست لباس کفتان از بایزید سوم در کاخ‌موزه توپ‌کاپی باقی مانده است که تعدادی از آن، هدایای دربار صفوی به سلطان عثمانی است. اهدای هدایایی با کیفیت بالا در دربار سلاطین مسلمان مهم است و اشیای نفیسی که به دربار اهدا می‌شدند، شاید ارزشی بیشتر از آنچه تصور می‌شد، داشتند. شایان ذکر است که این هدایای نفیس و فوق‌العاده مجلل، غالباً برای دنبال کردن اهداف جاه‌طلبانه یا دیپلماتیک حکومت‌ها به دربار اهدا می‌شده‌اند. هدف از اهدای هدایا، استفاده کردن آن‌ها نبوده، بلکه بسیاری از آن‌ها دارای پیام‌های سیاسی یا فرهنگی بوده و تنها هدایای فوق‌العاده نفیس و باارزش در گنجینه‌های دربار نگهداری می‌شده‌اند. بحث بر سر تولید این آثار در حکومت عثمانی یا حکومت صفوی نشان داد تعاملات فرهنگی متقابل چگونه می‌توانست به سلیقه پادشاهان شکل ببخشد. اهدای هدایایی مانند سجاده‌های نماز که در آن‌ها از نشانه‌های مذهب شیعه استفاده شده بود، نشانه‌ای از ترویج اعتقادات مذهبی شیعیان توسط حکومت صفوی بود. درنهایت فرایند هدیه‌دادن و ردوبدل کردن هدایا به این دو حکومت کمک کرد تا بتوانند بر سر مسائل بسیار مهم قرن از جمله اختلافات بر سر اراضی تصرف‌شده و اختلافات مذهبی، با یکدیگر به توافق برسند و همچنین از آن به‌عنوان روشی برای مشروعیت‌بخشیدن به حکمرانی خویش استفاده کنند. در این پژوهش دو نتیجه عمده مهمی که برای رسیدن به آن‌ها از نظریات ماوس استفاده شده است عبارت‌اند از: ۱. اگرچه اهدای هدایای حکومت صفوی در ۹۶۷-۹۹۰ ه‍.ق/۱۵۶۷-۱۵۹۰ م به‌ظاهر یک حرکت صلح‌آمیز و دیپلماتیک بوده، با بررسی این هدایا می‌توان دریافت صفویان قصد داشتند پیروزی‌های گذشته ایرانیان را به عثمانی‌ها یادآوری کنند؛ به عثمانی‌هایی که قدرت فرهنگی خود را مدیون پارسیان بودند. همین امر نشان می‌دهد صفویان چگونه در برابر عثمانی‌ها در طول پیروزی‌های گذشته خود در شرق و غرب ایران، به برتری فرهنگی دست پیدا کرده بودند. از ظرافت و دقت هنری و استفاده از کار دست هنرمندان زبردست و خلاق ایرانی در این هدایای گرانبها و ارزشمند پیدا است که اهدای این هدایا به رقیبان، راهی غیرمستقیم برای تحقیرکردن آن‌ها از طریق به‌رخ‌کشیدن قدرت فرهنگی و هنری ایرانیان بوده است؛ ۲. صفویان در تلاش بوده‌اند تا با اهدای هدایای نفیس و جبران‌نشده، در مقایسه با عثمانی‌ها به برتری دست یابند.

این دو دربار تقریباً از لحاظ ثروت و سرمایه برابر بوده‌اند، اما به‌معنای واقعی کلمه در قرن دهم، اغلب در حال رقابت و جنگ بر سر به‌دست‌آوردن موضع برتر بودند. این هدایا نیز بخشی

از رقابت را تشکیل می‌داد. صفویان با ارسال هدایایی نفیس و گرانبها و جبران‌نشدنی از جمله، سجاده‌های بافته‌شده از ابریشم و طلاکاری‌شده و مزین به نام حضرت علی (ع) که عثمانی‌های اهل سنت هرگز از آن‌ها استفاده نمی‌کرده‌اند و یک کفتان مخملی نفیس مخصوص حاکمان صفوی که سلطان عثمانی هرگز نمی‌توانسته آن را بپوشد، از یک‌سو به بزرگنمایی قدرت هنری و فرهنگی خود می‌پرداختند و از سوی دیگر پیام‌هایی درخصوص مشروعیت دینی و برتری فرهنگی برای رقیب دیرینه خود ارسال می‌کردند. به‌این‌ترتیب تئوری رقابت و چشم و هم‌چشمی‌داشتن ماوس، در اهدای هدایا درمورد حکومت صفوی کاربرد دارد. با توجه به اینکه این دو پادشاهی از نظر فرهنگی بسیار به هم نزدیک بوده‌اند، ارسال هدایای فوق‌العاده نفیس و مجلل و البته جبران‌نشدنی به رقابت میان این دو پادشاهی دامن می‌زد. صفویان با اهدای کالاهایی مجلل و غیرقابل‌استفاده، علاوه بر اینکه توانستند برتری هنری خود را به رخ بکشند، قدرت نظامی خود را نیز حفظ کردند. صفویان از طریق این هدایای فوق‌العاده نفیس و فاخر، مشروعیت تشیع دوازده‌امامی را نیز تأیید کردند. علائم و نقوش شیعی روی این هدایا، هنوز هم باقی مانده است. با توجه به این حقیقت که در اوایل قرن دهم عثمانی‌ها صفویان را به بدعت در دین اسلام متهم کردند، آن‌ها با اهدای آثار هنری فاخر و نفیس و ترکیبی از هنر و فرهنگ غنی ایرانی سعی می‌کردند به مذهب تشیع مشروعیت ببخشند و همچنین به عثمانی‌ها بفهمانند که اگرچه در میدان نبرد، پیروز نشده‌اند، حاکم بی‌بدیل و انکارنشدنی فرهنگی هستند و این یکی از عملکردهای دیپلماتیک حیرت‌آور پادشاهان صفوی بود.

منابع

- اتینگهاوزن، ریچارد و یارشاطر، احسان (۱۳۷۹). *اوج‌های درخشان هنر ایران*. ترجمه هرمز عبداللهی و روئین پاکباز. تهران: آگاه.
- بابایی، زارچ و احمدزاده، الهام (۱۳۹۳). *بررسی روابط ایران و عثمانی از جنگ چالدران تا معاهده قصرشیرین*. تهران: سمیرا.
- برزین، پروین (۱۳۴۶). *پارچه‌های قدیم ایران*. هنر و مردم، ۵۹، ۳۹-۴۴.
- بیکر، پاتریشیا (۱۳۸۵). *منسوجات اسلامی*. ترجمه مهناز شایسته‌فر. تهران: مؤسسه مطالعات هنر اسلامی.
- بیگدلی، مریم (۱۳۹۳). *بررسی سنت هدیه دوره اسلامی از آغاز تا پایان عصر عباسی*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد تاریخ و تمدن ملل اسلامی. دانشگاه زنجان.
- پورایران، عباس (۱۳۸۴). *روابط ایران و عثمانی در عهد صفویان*. مشهد: دستور.
- تامپسون، جان (۱۳۸۴). *قالی‌ها و بافته‌های اوایل دوره صفویه*. ترجمه بیتا پوروش، گلستان هنر، ۱(۲)، ۷۰-۱۰۵.
- حسینی، سید حمید (۱۳۸۹). *عوامل سیاسی و اجتماعی تنش میان صفوی و عثمانی*. سخن تاریخ، ۹، ۲۵-۵۸.
- سیوری، راجر (۱۳۶۳). *ایران عصر صفوی*. ترجمه کامبیز عزیزی. تهران: مرکز.
- صالحی، نصرالله (۱۳۹۴). *تاریخ روابط ایران و عثمانی در عصر صفوی*. تهران: طهوری.
- کن‌بای، شیلا (۱۳۸۷). *عصر طلایی هنر ایران*. ترجمه حسن افشار. تهران: مرکز.
- منشی قمی، قاضی احمد (۱۳۵۲). *گلستان هنر*. تصحیح احمد سهیلی خوانساری. تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- واله اصفهانی، محمدیوسف (۱۳۷۲). *خلد برین*. به کوشش میرهاشم محدث. تهران: بنیاد موقوفات افشار.
- Abrahamian, E. (2008). *A History of Modern Iran*. London: Cambridge University Press.
- Aga-Oglu, M. (1941). *Safavid Rugs and Textiles: The Collection of the Shrine of Imam Ali at Al-Najaf*. New York: Colombia University Press.
- Arcak, S. (2012). *Gifts in Motion: Ottoman—Safavid Cultural Exchange, 1501-1618*. University of Minnesota, p. vi.
- Babayan, K. (1994). The Safavid Synthesis: From Qizilbash Islam to Imamite Shi'ism. *Iranian Studies*, 27, 135-161.
- Blair, S., & Bloom, J. (1994). *The Art and Architecture of Islam*. Yale University Press.
- Busbequius, A.G. (1774). *Travels into Turkey: Containing the Most Accurate Account of the Turks, and Neighboring Nations, Their Manners, Customs, Religion, Superstition, Policy, Riches, Coins, etc.* London: J. Robinson & W. Payne.
- Eiland, Murray. (2000). Scholarship and a Controversial Group of Safavid Carpets. *Iran*, 38, 97-105.
- Eiland, M., & Pinner, R. (1999). The Salting Carpets. *Oriental and Textile Studies*, 5, Part 2: The Salting Carpets.

- Franses, M. (1999). Some Wool Pile Persian-Design Niche Rugs. In *Oriental Carpet and Textile Studies*, 5, Part 2: The Salting Carpets. Eiland, Murray & Pinner, Robert (Eds.) Danville, California: International Conference on Oriental Carpets.
- Ortayli, I. (2009). *Topkapi Palace: Milestones in Ottoman History Hardcover*. Blue Dome Press; Illustrated edition.
- Grabar, O. (2006). The Shared Culture of Objects. *Islamic Visual Culture, 1100-1800*, Vol. II: Constructing the Study of Islamic Art Hampshire: Ashgate Publishing Limited.
- Komaroff, L. (2011). *Gifts of the Sultan: The Arts of Giving at the Islamic Courts*. New Haven: Yale University Press.
- Lambton, A. (2009). Pishkash: Present or Tribute?. *Bulletin of the School of Oriental and African Studies*, 57(1), 145-158.
- Mathee, R. (2001). Gift Giving in Safavid Persia. *Encyclopedia Iranica*, Vol. X New York: Bibliotheca Persica Press.
- Mauss, M. (2000). *The Gift: Form and Reason for Exchange in Archaic Societies*. Translated by W.D. Halls New York and London: W. W. Norton, 2000; reprint London: Routledge.
- Mills, J. (1999). The Salting Group: A History and Clarification. *Oriental Carpet and Textile Studies*, 5, Part 2: The Salting Carpets Eiland, Murray & Pinner, Robert (Eds.) Danville, California: International Conference on Oriental Carpets.
- Morony, M. (2011). Gift Giving in the Iranian Tradition. In *Komaroff*, Yale University Press.
- Ortayli, I. (2011). *Gifts and the Topkapi Palace*. New Haven & London.
- Rogers, J.R. (1986). *The Topkapi Saray Museum*. Costumes, Embroideries and Other Textiles, Little, Brown & Co
- Savory, R. (1980). *Iran under the Safavids*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Tanindi, Z. (2008). *Topkapi Palace and its Persian Holdings*. Encyclopedia Iranica.